

موقعیت جنبش کارگری در سال ۸۷، اشکال مبارزه، خواسته‌ها و پیشرفت‌ها (قسمت آخر)

مطالبات کارگری در سال ۸۷

بدیهیست که مجموعه مطالبات کارگری در سال ۸۷، نمی‌توانست بطور کلی بی ارتباط با تعرضات وحشتناک و فزاینده طبقه سرمایه‌دار و دولت این طبقه، علیه طبقه کارگر باشد. برعکس، بسیاری از مطالبات کارگری، بطور لاینفکی، حال یا مستقیم و بیواسطه، یا بطور غیر مستقیم، با شرایط دشوار تحمیلی سرمایه‌داران بر کارگران، در ارتباط بود.

پرداخت دستمزدهای عقب افتاده، منع اخراج، بازگشت به کار، ضمانت شغلی، لغو قرار دادهای موقت، رسمی شدن کارگران قراردادی، برچیده شدن شرکتهای پیمان‌کاری، لغو اضافه کاری اجباری و خواست افزایش دستمزد که در سال ۸۷ از اهمیت بیشتر و جایگاه مهمتری برخوردار گردید، این‌ها تماماً خواسته‌هایی هستند که در برابر تعرض دائمی طبقه سرمایه‌دار علیه طبقه کارگر مطرح می‌شوند و کارگران، در هر اعتصاب و اعتراض خویش، بسته به موقعیت هر کارخانه و موسسه تولیدی، یک یا چند خواست از این دست را در مقابل کارفرما گذاشته‌اند. طبقه سرمایه‌دار، با تحمیل شرایط سخت و دشوار و تشدید استثمار کارگران، در واقع به نوعی، مبرمیت طرح این شعارها و خواسته‌ها را نیز بر کارگران تحمیل نمود.

با این وجود، توجه به دو نکته بسیار مهم در مورد مطالبات کارگری و نحوه مبارزه کارگران برای تحقق این مطالبات ضروریست. بدون توجه به این نکات، شناخت ما از موقعیت جنبش کارگری در سال ۸۷، فاقد عینیت و دقت کافی خواهد بود.

اولین نکته مهم در مورد خواسته‌های کارگری در سال ۸۷، این است که بسیاری از مطالبات کارگران، مطالبات اقتصادی و صنفی محسوب می‌گردند و عموماً خصلت دفاعی دارند، اما توده کارگران برای تحقق همین مطالبات، به مبارزه ای پیگیر و رو در روئی با کارفرما روی آورده‌اند که در اغلب موارد نیز این مبارزات با واکنش نیروهای سرکوب رژیم روبرو شده است و درگیری کارگران را، از حد درگیری با یک کارفرما در یک کارخانه فراتر برده و کارگران را عملاً رو در روی دولت و رژیم سیاسی حاکم قرار داده است. به عبارت دیگر مبارزات کارگران، ولو برای تحقق خواسته‌های اقتصادی و صنفی، در غالب موارد، شکل سیاسی به خود گرفته‌اند که نتیجه مستقیم و بلافصل این روند، رشد آگاهی سیاسی کارگران بوده است.

البته استفاده کارگران از اشکال علنی و مستقیم مبارزه، مانند تظاهرات، راه پیمائی، اعتصاب، تجمع اعتراضی، راه‌بندان، اشغال کارخانه و امثال آن، محدود به سال ۸۷ نمی‌شود. همچنین، این موضوع که مبارزات کارگران ولو برای تحقق خواسته‌های اقتصادی و صنفی، شکل سیاسی به خود می‌گیرند، این هم موضوع جدیدی نیست و به سال ۸۷ خلاصه نمی‌شود و علت اصلی آن هم، رژیم دیکتاتوری عریانیست که سه دهه است بر مردم حکم روائی می‌کند. اما نکته این است که در سال ۸۷، پدیده سیاسی شدن مبارزه کارگران برای تحقق مطالبه اقتصادی و صنفی، عمومیت بیشتری می‌یابد و نمونه‌ها نیز، از لحاظ کمی، پرشمارتر می‌شوند. از آنجا که مبارزه کارگران، حتماً برای تحقق مطالبات اقتصادی و صنفی، غالباً شکل سیاسی به خود گرفته‌اند و پروسه رو در رو شدن آن‌ها با دولت و

رژیم سیاسی حاکم، که مدافع منافع تمام کارفرمایان و کل طبقه سرمایه داراست، به شناخت بیشتر کارگران از سیستم موجود کمک می کند و لذا موجب رشد آگاهی سیاسی کارگران می شود، از اینرو، می توان چنین نتیجه گرفت که؛ در سال ۸۷، آگاهی طبقاتی کارگران با سرعت بیشتر و در ابعاد گسترده تری نسبت به سال های قبل تر از آن، رشد و ارتقاء یافته است. نکته مهم دیگر در زمینه خواست های کارگری و شاید مهم ترین نکته در این زمینه اینست که، مطالبات کارگران در سال ۸۷ به هیچوجه در محدوده مطالبات اقتصادی - صنفی ناشی از شرایط تحمیلی طبقه سرمایه دار و دولت این طبقه بر کارگران، باقی نماند. بهرغم اعمال خشن ترین شیوه های سرکوب علیه کارگران در سال ۸۷، و به رغم تمام ممنوعیت ها و محدودیت ها، کارگران، به طرح یک رشته مطالبات مستقیم سیاسی و در رأس آن حق ایجاد تشکل مستقل کارگری پرداختند. علاوه بر حق اعتصاب و تجمع و اعتراض که کارگران هیچگاه در انتظار اعطای آن نمانده و هیچ اعتراض، تجمع و اعتصابی را ملزم به صدور جواز سرمایه داران و دولت آن نساخته اند و آن را، در عمل و با مبارزه خویش به کف آورده اند. حق ایجاد تشکل که چون کاکلی بر لیست مطالبات کارگری سال ۸۷ می درخشید، نه تنها در سطح بسیار گسترده تری توسط کارگران به میان کشیده شد، بلکه کارگران در سال ۸۷، وسیع تر و پرشورتر و جسورانه تر از گذشته دست به کار عملی ساختن این حق زدند و تمام مرزهای قانوناً ممنوعه رژیم در این زمینه را نیز برهم زدند.

اگر در سال های قبل تر، کارگران در مورد تشکل یابی طبقه کارگر، ضرورت متشکل شدن، اهمیت و نقش تشکیلات و مبارزه متشکل، آرام آرام تجربه می اندوزند و آگاهی و شناخت خویش را در این زمینه ارتقا می دهند و تکمیل می کنند، در سال ۸۷ اما موضوع، از حد شناخت و آگاهی نسبت به این ضرورت، بسی فراتر می رود و بیش از پیش، به یک مسأله عملی کارگری تبدیل می شود. در سال ۸۷، حق ایجاد تشکل مستقل کارگری، نه فقط به مطالبه عمومی کارگران لاقبل در سطح واحدهای بزرگ و متوسط تبدیل می گردد، بلکه کارگران در بسیاری از کارخانه ها و موسسات صنعتی، برای متشکل شدن و ایجاد تشکل، گام های عملی مشخصی نیز بر می دارند. برجسته ترین نمونه تشکل مستقل کارگری در سال ۸۷، تشکیل سندیکای کارگران شرکت نیشکر هفت تپه است، که بنا به اهمیت مبارزات با شکوه و کم نظیر کارگران هفت تپه، پی گیری و پشتکار کارگران برای ایجاد تشکل، حفظ اتحاد و هوشیاری و خنثی سازی تمامی ترفندهای رژیم برای ممانعت از پاگیری یا برای از هم پاشی آن، جا دارد مکث ویژه ای روی آن داشته باشیم.

سندیکای کارگران شرکت نیشکر هفت تپه، نمونه برجسته تشکل توده ای کارگران در سال ۸۷

برجسته ترین نمونه ایجاد تشکل مستقل کارگری در سال ۸۷، ایجاد سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه است. کارگران شرکت نیشکر هفت تپه، به ویژه کارگران فعال و پیشرو این شرکت، از زمان اعلام موجودیت سندیکای کارگران شرکت واحد و تا حدود زیادی تحت تاثیر آن، در صدد ایجاد یک تشکل توده ای برآمدند. پس از یک رشته فعالیت های اولیه و تدارک مقدمات آن، در سال ۸۶ کارگران نیشکر هفت تپه، سعی کردند توسط هیأت موسس سندیکا، تشکل خود را از طریق اداره کار به ثبت برسانند. اداره کار و سایر نهادهای دولتی نه فقط خواست کارگران را نپذیرفتند، بلکه با احضار و بازداشت اعضای هیأت موسس سندیکا و ارباب و تهدید و زیر فشار گذاشتن آن ها، سعی کردند کارگران را مرعوب و از ایجاد تشکل مستقل کارگری منصرف سازند. اما هیچیک از اقدامات سرکوبگرانه رژیم، نتوانست از پی گیری و مبارزه کارگران برای ایجاد تشکل بکاهد و یا خللی در تصمیم آن ها برای ایجاد سندیکا ایجاد کند. حق ایجاد تشکل مستقل کارگری، یکی از خواست های بسیار مهم کارگران نیشکر هفت تپه بود که در تمام اعتصابات کوتاه یا بلند مدت خود در سال ۸۷ که در یک مورد ۵۰ روز ادامه یافت، و در تمام اجتماعات اعتراضی، راه پیمائی ها و تظاهرات خیابانی پرشور و کم نظیر خویش، مصرانه پی گیری و بر آن تأکید داشتند. سرانجام، پس از لاقبل یکسال و نیم تلاش کارگران پیشرو این

شرکت، پشتکار و پایداری رهبران کارگران هفت تپه که از حمایت توده کارگران این شرکت برخوردار بودند و پس از برگزاری یک نشست عمومی که با فراخوان هیأت موسس سندیکای کارگران شرکت نیشکر هفت تپه برگزار گردید، این سندیکا در اول آبان ۸۷ اعلام موجودیت کرد.

دستگاه های امنیتی و سرکوب رژیم که نتوانسته بودند کوشش کارگران پیشرو جهت تشکیل یابی کارگران را در نطفه خفه سازند و از تشکیل سندیکای کارگران هفت تپه ممانعت به عمل آورند، این بار به قصد از هم پاشی و نابودی سندیکا، بر شدت اعمال سرکوب‌گرانه خود، علیه کارگران پیشرو و اعضای هیأت مدیره سندیکا افزودند. احضار و بازداشت و تهدید کارگران بیش از پیش تشدید گردید. دستگاه اطلاعاتی و قضائی رژیم آشکارا بر اقدامات ارباب‌گراانه خود علیه کارگران افزودند و در همان حال مدیریت شرکت نیشکر هفت تپه نیز همزمان با این اقدامات، در یک هماهنگی برنامه ریزی شده با ارگان‌های سرکوب رژیم، مذبوحانه تلاش نمود تا از طریق بدبین ساختن کارگران نسبت به سندیکا و رهبران آن، و همچنین با عهلم کردن شورای اسلامی، در میان کارگران، تفرقه و دو دستیگی ایجاد کند و اتحاد کارگران را از هم بپاشاند. اما کارگران نیشکر هفت تپه با تحریم گسترده و یک پارچه به اصطلاح انتخابات شورای اسلامی مورخ پنجم اسفند ۸۷، که توسط مدیریت شرکت و عوامل ریز و درشت دولت، سرهم بندی شده بود، مشت محکمی بر دهان مدیریت و تمام حامیان آن کوبیدند. در جلسه‌ای که به منظور انتخابات شورای اسلامی فراخوان داده شده بود، از مجموع حدود ۵۰۰۰ پرسنل و نزدیک به ۴۰۰۰ کارگر این شرکت، تنها حدود ۳۰ نفر در آن شرکت نموده بودند که تنها نیمی از این تعداد یعنی ۱۵ نفر کارگر بودند!! کارگران هفت تپه، با تحریم یکپارچه بازی انتخابات شورای اسلامی، نه فقط یک بار دیگر دست رد بر سینه شورای اسلامی زدند که پیش از آن نیز بارها تنفر و انزجار خود را از این ارگان ابراز نموده و خواستار برچیده شدن آن شده بودند، بلکه همه کسانی را که علیه سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه و رهبران آن تبلیغ و خرابکاری می‌کردند و یا برای جای‌گزینی شورای اسلامی به جای سندیکا و یا حتا ایجاد ارگانی به موازات سندیکا و ایزوله کردن آن تلاش می‌کردند با وضوح شگرفی رسوا و مفتضح ساختند.

در برابر این تودهنی محکم و جانانه کارگران بر مدیریت شرکت و حامیان آن، و در برابر دفاع و حمایت کارگران از سندیکا و رهبران آن که از بلوغ سیاسی کارگران نیشکر هفت تپه حکایت می‌کند، دستگاه‌های امنیتی و سرکوب رژیم به آدم ربائی متوسل شدند، ارباب و فشار و شکنجه و وحشی‌گری علیه کارگران را تشدید و احکام سنگین زندان و منع فعالیت برای رهبران سندیکا صادر کردند. اقدامات سرکوب‌گرانه رژیم علیه کارگران هفت تپه، هر چند بسیار شدید، وحشیانه و انتقام جویانه است، اما تا این لحظه نتوانسته است کارگران را از تشکل یابی باز دارد. حق ایجاد تشکل کارگری، یک خواست عمومی کارگری است و کارگران شرکت نیشکر هفت تپه در پراتیک مبارزاتی و با اتکا به نیروی خود، این خواست خود را در سال ۸۷ عملی کردند و سندیکای خود را تا این لحظه، عملاً بر رژیم تحمیل کرده‌اند.

در سال ۸۷، اگر چه طرح مطالبه تشکل مستقل کارگری و عملی ساختن این خواست، به بهترین و برجسته‌ترین شکلی در فعالیت و مبارزه کارگران شرکت نیشکر هفت تپه و سندیکای کارگران این شرکت تجلی می‌یابد، اما این مطالبه و تلاش برای شکل دهی و ایجاد تشکل کارگری به هفت تپه خلاصه نمی‌شود. اولاً خواست تشکل مستقل کارگری در سال ۸۷، رسماً در لیست مطالباتی بسیاری از کارخانه‌ها و واحدهای تولیدی قرار گرفت که برای نمونه می‌توان از پارس خودرو، ایران خودرو، لاستیک البرز، ایران برگ، لوله سازی اهواز، عسلویه، یخچال سازی خرم آباد و ده‌ها واحد تولیدی دیگر نظیر این‌ها از شرق تا غرب و از شمال تا جنوب کشور یاد نمود، ثانیاً در بسیاری از کارخانه‌ها و موسسات تولیدی، از جمله در واحدهای تولیدی یاد شده، موضوع تشکل کارگری، فقط در حد طرح نمی‌ماند و به آن خلاصه نمی‌شود. مسأله به این صورت است که علاوه بر طرح این مطالبه، و یا در

عین طرح این مطالبه، جمع‌هایی از کارگران نیز خود را متشکل ساخته‌اند. این جمع‌های متشکل در هر کارخانه و موسسه تولیدی، نه فقط در سازماندهی مبارزات و پی‌گیری مطالبات کارگران همان موسسه و کارخانه نقش بسیار مهمی ایفا نموده‌اند، بلکه در زمینه مبارزات فرا کارخانه‌ای و در حمایت و پشتیبانی از مبارزات و خواست‌های کارگران در سایر کارخانه‌ها نیز فعال بوده‌اند. در این زمینه نیز مثال‌ها و نمونه‌های زیادی وجود دارد که از جمله می‌توان به موارد زیر اشاره نمود. حمایت کارگران هفت تپه و سندیکای آن‌ها از کارگران سنندج، لوله سازی اهواز، کارگران شرکت واحد، حمایت نمایندگان کارگران نساجی کردستان، کارخانه شاهو، ریسندگی پردیس و شرکت فرش ماشینی غرب بافت از لاستیک البرز، حمایت کارگران ایران خودرو، از کارگران کیان تایر، هفت تپه، فولاد، لوله سازی اهواز و دخالت فعال تقریباً در تمام مواردی که به کارگران و جنبش کارگری ارتباط پیدا می‌کند. این‌ها و ده‌ها نمونه دیگر، نشانه ارتقاء آگاهی سیاسی و طبقاتی کارگران است و تقویت اتحاد و رشد همبستگی در میان کارگران را باز تاب می‌دهد. علاوه بر شکل‌گیری و فعالیت این تشکل‌ها در سال ۸۷، باید به کمیته‌های کارخانه یا کمیته‌های کارگری نیز اشاره نمود. کمیته‌های کارخانه اگر چه در لحظه حاضر نمی‌توانند علنی باشند و به حکم شرایط حاکم بر جامعه، باید به صورت مخفی یا با تلفیق کار مخفی و علنی فعالیت کنند، و از همین رو افزایش یا کاهش این گونه تشکل‌ها، مانند تشکل‌های علنی و یا تشکل‌های دیگری که علناً اعلام موجودیت نموده‌اند، قابل مشاهده و شمارش نمی‌باشند، اما از روی حجم بالای اعتصابات و اجتماعات اعتراضی و دیگر اشکال مبارزه کارگری در سال ۸۷، و با توجه به اینکه هر اعتصاب، هر راهپیمایی یا اجتماع اعتراضی کارگری مستلزم درجه معینی از سازماندهی است، می‌توان به این مسأله پی برد که در سال ۸۷، تعداد باز هم بیشتری از کارگران پیشرو و فعالان کارگری برای ایجاد کمیته‌های کارخانه تلاش ورزیده‌اند و یا خود را در این گونه کمیته‌ها متشکل ساخته‌اند.

به تمام این‌ها، باید به تحرکات فعالان کارگری و هواداران طبقه کارگر، برای ایجاد و یا فعالیت در کمیته‌ها و تشکل‌هایی اشاره نمود که هدف خویش را دفاع از کارگران قرار داده و یا در راه یاری رساندن به ایجاد تشکل‌های کارگری در محیط‌های کار و در راه اتحاد عمل کارگری، مصمتر و مجدانه‌تر از گذشته، به فعالیت پرداخته‌اند. این گونه تشکل‌ها، در کلیه رویدادها و فعالیت‌های مهم کارگری در سال ۸۷، آگاهانه، مداخله و مشارکت داشته‌اند و با ابزارها و به شیوه‌های گوناگونی برای پیشرفت جنبش طبقاتی کارگران، نیرو گذاشته‌اند. هرچند نباید این نکته را از نظر دور داشت که این گونه تشکل‌ها کماکان از یک نقطه ضعف بزرگ، یعنی ضعف ارتباط با کارگران در محل کار و تولید و فقدان پشتوانه کارگری کافی رنج می‌برند، اما بدیهی است که موجودیت و فعالیت اینگونه کمیته‌ها و تشکل‌ها، در عین آنکه به رشد و ارتقاء آگاهی در صفوف کارگران کمک می‌رساند، در عین حال خود نشانه‌ای از رشد و ارتقاء آگاهی کارگران و پیشرفت جنبش طبقاتی کارگران می‌باشد.

نتیجه گیری

بررسی ما از جنبش کارگری در سال ۸۷ نشان می‌دهد که علی‌رغم ادامه و تشدید تعرضات طبقه سرمایه‌دار و دولت این طبقه علیه طبقه کارگر، کارگران با روحیه‌ای جسورانه‌تر، متشکل‌تر و در ابعادی وسیع‌تر در برابر این تعرضات دست به مقاومت و اعتراض زده‌اند. کارگران در مبارزه علیه کارفرمایان و سرمایه‌داران، از اشکال متنوع مبارزاتی، به ویژه اشکال مستقیم و علنی مبارزه مانند اعتصاب، اجتماعات اعتراضی، تظاهرات، راهپیمایی و ایجاد راه‌بندان و امثال آن سود جسته‌اند و مبارزات خویش را، بیش از سال ۸۶، به سطح خیابان‌ها کشانده‌اند و از همین رهگذر، کارگران نه فقط، صدای اعتراض خویش را در ابعاد وسیع‌تری به گوش سایر اقشار مردم رسانده و حمایت بیشتری را جلب کرده‌اند، بلکه در عین حال شمار زیادتری از اعضاء خانواده‌های کارگری نیز با کارگران

همراه شده و به رو در رؤی مستقیم با دولت و نیروهای سرکوب آن کشانده شده‌اند. شمار اعتصابات، اجتماعات و اشکال اعتراضی و رادیکال مبارزه و همچنین شمار کارگران شرکت کننده در این اعتصابات و اعتراضات، نسبت به سال‌های قبل‌تر از آن افزایش یافته است. علاوه بر این در سال ۸۷ بر تعداد اعتصابات طولانی مدت و تجمعات اعتراضی که با استمرار و پی‌گیری ادامه می‌یابند نیز افزوده شده است. مبارزات کارگران حتی برای تحقق مطالبات اقتصادی و صنفی، در اغلب موارد با واکنش شدید نیروهای سرکوب رژیم روبرو شد و عموماً شکل سیاسی به خود گرفت. میزان آگاهی سیاسی و همبستگی در صفوف کارگران آشکارا با رشد و ارتقاء همراه بود. طبقه کارگر ایران در سال ۸۷، حق ایجاد تشکل مستقل کارگری را به مثابه مهم‌ترین و برجسته‌ترین خواست سیاسی خود، در برابر طبقه سرمایه‌دار و دولت این طبقه قرار داد و پیگیرانه برای آن جنگید! جنبش طبقاتی کارگران به لحاظ تشکل یابی کارگران، گام‌های مهمی دیگری به پیش برداشت و سندیکای کارگران شرکت نیشکر هفت تپه، چون خاری بر چشم طبقه حاکم فرو نشست!

جنبش کارگری در پایان سال ۸۷، به لحاظ رشد آگاهی سیاسی و تشکل یابی کارگران، نه فقط با سال‌های پیش از بازگشائی سندیکای کارگران شرکت اتوبوس رانی تهران و حومه، قابل مقایسه نیست، بلکه حتی با سال‌های مابین بازگشائی این سندیکا و اعلام موجودیت سندیکای کارگران شرکت نیشکر هفت تپه نیز قابل مقایسه نمی‌باشد و در مسیر بالندگی خود، به پیشرفت‌های جدیدی نائل گشته است.

در سالی که گذشت، اگر که در مهم‌ترین بخش کارگری یعنی در صنعت نفت متأسفانه تحرک چندانی دیده نمی‌شود و ستاره بزرگ نفت عجاناً خاموش، یا بسیار بسیار کم سوست! ده‌ها ستاره اما در لاستیک البرز، لوله سازی اهواز، ایران خودرو، ایران صدرا، پارس خود رو، یخچال سازی، عسلویه و امثال آن روشن است. در این میان اما درخشش ستاره هفت تپه در آسمان جنبش کارگری بی‌همتاست.

نقل از کارآرگان سازمان فدائیان (اقلیت) - شماره ۵۴۹ نیمه دوم اردیبهشت ۸۸